

باور ریزش برگ

با سحر گاهی که می آمیزد

باور ریزش برگ

فصل آغاز تگرگ

فصل تنهایی تن

وقت پیدایش مرگ

تواگر می آیی

قاصدک را به صداقت پر کن

مژدگانی بده یک دوست کجاست

دوستی آمده بود

انتهای نفس آوازش

جای پای سخنی خالی بود

واژه ها آمدورفت

دل تنهایی ما همدمی تازه نکرد

جای پای سخنی خالی بود

محبس دیوارت غم ما را نگرفت

شب ما را نربود

محفلی تازه نکرد

جای پای سخنی خالی بود

در هوای نفست هم قفس تازه شدم

با همین بغض صبور با تو اندازه شدم

مزدا شاهانی(علیرضابنای شاهانی)

(آلبوم مترسک ، اجرا: کاوه یغمایی)